

عدالت جنسیتی و راه کار های عملی آن در افغانستان



نوشته: داکتر حبیب الله روشن، مسوول خدمات صحی مبتی بر اشتراک جامعه
وجندر

۲۵ جولای ۲۰۱۶

در این مقاله در مورد چگونگی عدالت جنسیتی در افغانستان و ساحات زنده گی زنان که هنوز در آن خشونت، تبعیض، و بی عدالت جنسیتی و جود داشته به بحث پرداخته، علل و عوامل آن را نیز شناسایی و راه کار های عملی تامین عدالت جنسیتی را در افغانستان پیشکش مینمایم.

برای اینکه عدالت جنسیتی را بصورت بهتر آن تعریف و توضیح نموده باشیم لازم دانسته میشود تا ابتدا بصورت بسیار مختصر در مورد مفاهیم عدالت، جنس، جندر معلومات ارایه نموده بعدا موضوع عدالت جنسیتی را به بحث بگیریم.

تعریف عدالت

عدالت به معانی مختلف بکار رفته است ولی یکی از مفاهیم بسیار اساسی آن که همیشه مورد توجه قرار داشته و اکثر حقوق دانان و دانشمندان به آن موافق هستند عبارت از گذاشتن چیزی در جای مناسب اش و یا سپردن چیزی به کسیکه مالک و مستحق آن است عدالت میباشد. عدالت همچنان به این معنی است که یک متخلف بخاطر عملکرد اش مورد باز پرس قرارگیرد. عدالت وقتی تحقق میابد که یک عمل غیر عادلانه، جبران یا تلافی شود و یا یک متضرر و قربانی احساس حالت اولی خود را باز یابد .

تعریف جنس:

جنس عبارت از شناسائی بیولوژیکی و طبیعی مردان و زنان است بدین معنی که زنان و مردان طبیعتاً از لحاظ شکل و ساختار بدن هرکدام دارای خصوصیات بخصوص خود میباشند که این خصوصیات مردان و زنان در تمام جهان برای همیشه مربوط به جنس خود شان بوده و تغیر ناپذیر است. بطور مثال تولید نسل از وجود زن و غیره خصوصیات.

تعریف جندر:

جندر عبارت از نقش و مسولیت های اجتماعی زنان و مردان است که در اجتماع و در اثر روابط اجتماعی شکل میگیرد. پس به این معنی ، نقش ای را که جامعه برای یک شخص یا یک گروه از افراد جامعه میدهد قابل تغیر است. یعنی اینکه در اصل انسانها بصورت مساوی و با ارزش و حیثیت انسانی مساوی دنیا آمده اند ولی نقش و روابط اجتماعی است که بعضاً باعث ایجاد تفاوت ها و تبعیضات میگردد. بطور مثال قسمیکه همه میدانیم خداوند تمام انسان ها را منحیث اشرف مخلوقات خلق کرده و در کرامت و ارزش مساوی قرار داده است ولی این روابط و مناسبات اجتماعی است که زن را فاقد ارزش مساوی با مردان و فاقد حق تحصیل، حق کار، حق داشتن ملکیت و غیره میداند. بنا این تفاوت های را که اجتماع برای عده ای از افراد جامعه مثل زنان بوجود آورده است یک پدیده قابل تغیر بوده و ممکن است که با تفهیم حقوق و ارزش های مساوی زن و مرد و اتخاذ سایر تدابیر قانونی از طریق ساختار های دولتی و غیر دولتی در رفع این بی عدالتی و وتامین عدالت جنسیتی در جامعه دست یافت.

تعریف عدالت جنسیتی :

عدالت جنسیتی به این معنی است که اشخاصی که به دلیل جنسیت شان از حقوق خود در عرصه های مختلف محروم گردیده اند، دوباره آن حقوق را بدست آورده و در یک وضعیت مساوی به دیگران قرار گیرند.

عدالت جنسیتی ایجاب میکند که افراد اجتماع اطمینان حاصل نمایند که عملکردهای صاحبان قدرت چه در محیط اجتماع ، محیط کار و محیط خانواده، در محدوده تساوی نقش اجتماعی زنان و مردان است.

چگونگی عدالت جنسیتی در افغانستان

هرچند در مقاطع مختلف تاریخ افغانستان، تلاش هایی از جانب حکومت های وقت ، زنان و مردان فعال و روشنفکر در زمینه های تساوی زن و مرد صورت گرفته ولی بعضا تحولات و دگرگونی های سیاسی و نظامی منجر به توقف و یا هم بطنی شدن فعالیت های داد خواهانه برای تامین عدالت جنسیتی در افغانستان گردیده است .

همین دگرگونی های سیاسی نظامی نیز یکی از عوامل عدم تامین قانونیت و عدم حاکمیت قانون بوده که در نتیجه باعث رجوع و اتکا مردم به ساختار های قومی، قبیله ای و سنتی ای که در آن بی عدالتی و تبعیض جنسی بیشتر نهادینه میباشد گردیده است. ولی با سقوط رژیم خود کامه طالبانی تدویر کنفرانس بن ، استقرار حکومت موقت ، بوجود آمدن ریاست جمهوری انتخابی و تصویب قانون اساسی و تسجیل تساوی حقوق زن و مرد در آن شکل گیری شورای ملی منحیث یک نهاد قانون گذار و نظارت کننده بر اعمال حکومت، توقع میرفت تا عدالت جنسیتی در ابعاد گسترده آن در جامعه تامین میگردد.

هرچند در حال حاضر تلاش های از جانب نهاد های حقوق بشر و نهاد های فعال حقوق زن در کشور و نهاد های بین المللی فعال در عرصه های حقوق بشر و حقوق زنان و دولت افغانستان در راستای مبارزه با تبعیض جنسی ، صورت گرفته و ادامه دارد. ولی آنچه مسلم است اینست که هنوز هم برای زنان در ساحات مختلف زنده گی محرومیت و محدودیت هایی در رسیدن به حقوق شرعی و بشری شان وجود دارد که در زیر بصورت مختصر بعضی از آن موارد را یاد آور میشویم.

ساحه تعليم و تربيه يا آموزش و پرورش:

هرچند قانون و شريعت حق تعليم و آموزش را برای زن و مرد يکسان بيان نموده ولی در عمل بنا بر تبعیضی که عوامل آن در اخير بحث بيان خواهد شد، بعضا زنان از اين حق محروم گردانیده میشوند .

ساحه کار در بیرون از خانه و کسب ملکیت :

قانون و شريعت همچنان حق کار و کسب را برای زن و مرد جواز داده است حتی اگر به تاريخ اسلام نظر اندازيم میبينم که حضرت بی بی خدیجه رض شغل و پیشه تجارت داشتند و حضرت عایشه رض مسولیت تبلیغ و ترویج دین را به عهده داشته است و او بهترین راوی حدیث میباشد که برای مسلمین حدیث حضرت محمد ص را انتقال میداد . اما در افغانستان بعضی از زنان حق کار کردن و بدست آوردن ملکیت و استقلال اقتصادی را ندارند بعضی از مردان کار کردن زن را برای خود یک عیب و ننگ میدانند .

ساحه صحت:

دسترسی به خدمات صحی حق هر شهروند میباشد و می باید هر شخصی که مبتلا به مریضی میگردد بتواند جهت معالجه به طبیب و مراکز خدمات صحی مراجعه نماید ولی در افغانستان بنا بر عرف عنعناتی بعضی از مردم یک تعداد از زنان بنا بر زن بودن شان از رفتن نزد طبیب محروم میشوند و بعضی از خانواده ها و بخصوص مرد ها رفتن زن را نزد طبیب عیب میدانند .

عوامل بی عدالتی جنسیتی در افغانستان

از نظر اسلام و قانون اساسی افغانستان مرد وزن دارای ارزش مساوی میشوند . خداوند در آیات زیادی از موضوع برابری انسانها و کرامت آنها یاد اوری نموده است . چنانچه در آیه 70 سوره الاسراء میفرماید (ولقد کرمننا بنی ادم) ترجمه: براستی ما فرزندان ادم را کرامت دادیم . درایه مبارکه ذکر شده خداوند با لفظ و کلمه انسان بنده گانش را مورد خطاب قرار داده و آنها را صاحب کرامت و حیثیت و ارزش گفته است یعنی اینکه از نظر قران انسانها که شامل زن و مرد

میشوند همه اشرف المخوقات اند و تبعیض و تفاوتی میان آنها نیست. همچنان ماده 22 قانون اساسی افغانستان نیز شهروندان افغانستان را در برابر قانون مساوی دانسته و هر نوع تبعیض را ممنوع قرار داده است؛ ولی چنانچه قبلاً نیز تذکر دادیم در عمل از دیر زمانی بدینسو در جامعه ما تبعیض ها و بی عدالتی های نسبت به زنان بنا بر زن بودن شان روا داشته میشود .

عمده ترین عوامل بی عدالتی جنسیتی را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد:

- موجودیت عرف و عنعنات ناپسند در جامعه
- بی سوادی و پایین بودن سطح آگاهی حقوقی و شرعی مردم
- تعبیر و تفسیر نادرست از احکام دین مقدس اسلام
- عدم حاکمیت قانون
- ناتوانی اقتصادی و عدم استقلال اقتصادی زنان

موجودیت عرف و عنعنات ناپسند در جامعه:

عرف و عنعنات ناپسند یکی از عواملی است که بیشتر زنان را محروم از حقوق اساسی شان میسازد. تداوم و استمرار عرف عنعنات ناپسند خود عواملی دارد که میتوان از نابسامانی های سیاسی ، ضعف اقتصادی و عدم دسترسی مردم به علم و تکنولوژی نام برد که باعث گردیده تا مردم بیشتر به قواعد عرفی و سنتی که از زنده گی قبایلی و بدوی برایشان به میراث ماند اتکا نمایند. ازدواج اجباری دختران برای حل و فصل منازعات مربوط به قتل ، یکی از موارد بسیار واضح عرف های ناپسند و تباه کننده میباشد که هنوز هم در بعضی از مناطق کشور به قوت خویش باقی است.

بی سوادی و پایین بودن سطح آگاهی حقوقی و شرعی مردم:

یکی از عوامل دیگر که بی عدالتی جنسیتی نسبت به زنان روا داشته میشود بی سوادی و عدم آگاهی مردم از احکام شریعت و قوانین میباشد. بدین معنی که تعدادی از مردم زنان را نسبت عدم آگاهی ای که دارند از حقوق شان محروم میسازند.

بطور مثال، هستند تعدادی از کسانی که برای زنان حق کار کردن را در بیرون از خانه جایز نمی دانند درحالیکه هرگاه به تاریخ صدر اسلام توجه کنیم میبینیم که تعدادی زیادی از زنان در امور اجتماعی و کارهای بیرون از منزل نیز سهمیم بوده و بطور مثال میتوانیم از یکی از خانم های حضرت محمد مصطفی ص که بی بی خدیجه کبرا شغل تجارت را داشتند یاد آوری نمایم.

تفسیر نادرست از احکام دین مقدس اسلام:

در بعضی موارد کسانی هم هستند که دانش کافی از احکام دین مقدس اسلام ندارند و یا هم بنابر ملحوظاتی که آنها خود آن را مصلحت عنوان میکنند به تعبیر و تفسیر نادرست از احکام دین مقدس اسلام میپردازند. این مسئله یکی از عواملی است که منجر به نقض حقوق اسلامی و انسانی زنان بنابر همین گونه روایات های نادرست گردیده است.

بطور مثال در قرآن شریف راجع به تعدد زوجات آمده است: **(فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنی وثلاث ورباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة)** درآیه مبارکه خداوند صراحتاً میفرماید، در صورتی که بیم بی عدالتی را دارید به یک زن اکتفا کنید. همچنان قاعده فقهی است که اگر بیم داری که استعمال آب برای بدنت زیان دارد وضو نگیر. اگر بیم داری که روزه برایت زیان دارد، روزه نگیر، ولی هستند بعضی از مردم که با اتکا به همین قاعده فقهی از گرفتن روزه و یا گرفتن وضو با آب خود داری مینمایند. ولی در مورد حکم صریح خداوند که گفته اگر بیم دارید عدالت را تامین کرده نمیتوانید به یک زن اکتفا کنید، هیچ توجه جدی صورت نگرفته صرف آیه مبارکه را جواز مطلق برای داشتن بیش از یک زن دانسته و بدون اینکه بتوانند به مفهوم واقعی کلمه، عدالت را بین زنان شان رعایت نمایند. حتی کسانی بوده اند که آیه مبارکه فوق را طوری تفسیر کرده اند که حتی داشتن هفت و نه زن را جایز میدانسته اند.

عدم حاکمیت قانون و عدم دسترسی زنان به ادارات عدلی:

عدم حاکمیت قانون یکی از مسایل بسیار مهم و کلیدی در موجودیت و تدوام بی عدالتی جنسیتی در افغانستان بوده است. زیرا هر بی عدالتی و هر محرومیتی که بالای زنان بنابر عرف و عنعنات و سایر دلایل تحمیل گردیده یکی از عوامل آن عدم مداخله نهادهای مسوول وزیربط و یاهم عدم امکانات دسترسی زنان به

ادارات عدلی بوده است. یعنی از یکطرف ادارات دولتی بنابر وضعی که دارند کمتر در محلات دور دست به قضایای زنان مداخله مینمایند و از سوی هم اکثراً ادارات دولتی و عدلی از محل سکونت خانم ها بسیار فاصله داشته و بنابر مشکلات امنیتی و سایر مشکلات موجود در محلات، زنان زمینه مراجعه به ادارات عدلی را نداشته و یا کمتر دارند.

ناتوانی اقتصادی و عدم استقلال اقتصادی زنان:

ازاینکه زنان در امور اقتصادی و معاملات بارزگانی کمتر دخیل میباشند، کمتر میتوانند که ملکیت و دارایی بدست بیاورند، که عدم داشتن ملکیت و دارایی وضع قدرت اقتصادی باعث تضعیف نقش زنان در خانواده و اجتماع گردید است. ناتوانی اقتصادی و وابسته گی زنان در امور اقتصادی به مردان یکی از عوامل بسیار موثر تضعیف قدرت تصمیم گیری زنان در مسایل خانواده گی و اجتماعی گردیده و از همین سبب است که زنان بیشتر متحمل خواست های نامشروع و خشونت های جنس مقابل خویش میگردند.

راه کار های عملی برای تامین عدالت جنسیتی در افغانستان

- 1- طرح و تطبیق مبارزه وسیع برای محو و نابود سازی آن عده از عرف و عنعناتی که باعث موجودیت و تداوم بی عدالتی جنسیتی در جامعه گردیده است. این مبارزه باید بصورت وسیع هماهنگ و منظم توسط تمام نهاد های دولتی و غیر دولتی بشمول مطبوعات و رسانه های همگانی صورت بگیرد.
- 2- طرح و تطبیق برنامه های آگاهی دهی و محو بی سوادی از جانب دولت و نهاد های غیر دولتی بصورت بسیار فراگیر مسلسل طوریکه همه مردم از آن مستفید شده بتواند.

قابل ذکر است که برنامه های آگاهی دهی که تا حال توسط نهاد های فعال حقوق بشر صورت گرفته است بیشتر با استفاده از اسنادیکه پیرامون حقوق بشر وجود دارد صورت گرفته که متأسفانه این آگاهی دهی ها در بعضی موارد نتیجه معکوس داده و حساسیت مردم را نسبت این که مسایل حقوق بشر چیزی وارد شده از بیرون و مخالف احکام قانون و شریعت میباشد برانگیخته است. درحالیکه بهترین مدافع حقوق بشر دین مقدس اسلام بوده و قوانین کشور ما هم در روشنایی آن تدوین شده که در اکثر موارد عمده با احکام اسناد

بین المللی حقوق بشر نه تنها مخالفت نداشته بلکه همسان میباشد. بنا لازم است تا برنامه های آگاهی دهی با استفاده از احکام شریعت مقدس اسلام وقوانین افغانستان در ضمن آنده احکام واسناد بین المللی حقوق بشر که با قرآن شریف وقوانین افغانستان موافق میباشد پیشبرده شود تا از یکسو معلومات حقوقی مردم نسبت به قانون وشریعت بلند برده شده واز جانبی هم حساسیت ها ونگرانی های که در زمینه بمیان آمده از بین برده شود.

تفسیر درست وروشن از احکام دین مقدس اسلام

مبلغین دین باید کسانی باشند که از دانش کافی شرعی برخوردار بوده ، مفاهیم واحکام دین مقدس اسلام را آنطوریکه هست برای مردم تفسیر، تشریح وتوضیح نمایند وبا تفسیر درست از احکام دین مقدس اسلام جلو آنده اعمال غیر اسلامی که بنام اسلام صورت میگیرد وناقض حقوق زنان میباشد گرفته شود. بطور مثال، در اکثریت محلات برای حل منازعات جنایی که بعضا میان دو فامیل یا قبیله صورت میگیرد، یک یا دودختر از فامیل شخص مقصر جبرا به نکاح داده میشود. تاسفانه اشخاصی هم هستند که بنام عالم دین در چنین مجالس اشتراک نموده ونکاح اجباری را به یکی از اعضای فامیل متضرر منعقد میسازند که درافغانستان این نوع ازدواج اجباری را " بد" مینامند . اگر در چنین مجالس یک دانشمند واقعی دین وجود داشته باشد ؛ احکام شریعت را درست بداند ؛ آن را برای دیگران تفسیر نماید ؛ مکلفیت مسلمانان را در قبال آن واضح سازد، شاید که اکثریت اعضای جرگه یا مجلس به عقد نکاح اجباری بنام بد، با درک مسوولیت دینی وعذاب آخرت مخالفت ورزیده و مانع پایمال شدن حقوق زن شوند.

تامین وگسترش حاکمیت قانون :

ایجاد ادارات قوی دولتی در دور ترین محلات کشور که برای همه به ویژه برای زنان به سهولت قابل دسترس باشد، وبا تطبیق قانون میتوان جلو بی عدالتی ها، از جمله بی عدالتی های که نسبت به زنان بنا بر زن بودن شان صورت میگیرد را گرفت. بدین معنی که تطبیق قانون ومجازات بالای آنده کسانی که به نحوی باعث محرومیت زنان از حقوق اسلامی انسانی آنان میگردد عامل بسیار موثر میباشد.

اصلاح و یا تدوین قوانین ایکه بتواند در تامین عدالت جنسیتی نقش مثبت و تعیین کننده ای داشته باشد از اولویت هایست که باید دولت ان را در قدم نخست عملی نماید.

انکشاف ظرفیت های اقتصادی زنان:

با طرح و تطبیق برنامه های اقتصادی و راه اندازی برنامه های حرفوی برای زنان در سطح شهر ها ، ولسوالی ها و قریه ها میتوان ظرفیت های کاری و فکری زنان را بلند برده نقش انان را در فعالیت های اقتصادی بلند برد. سهم ساختن زنان در فعالیت های اقتصادی و احیا نقش موثر انان منحصث اشخاص فعال در خانواده و اجتماع یک عامل بسیار تعیین کننده در تامین عدالت جنسیتی میباشد. پس لازم است تا دولت و نهادهی غیر دولتی ایکه بخاطر احیا حقوق زنان و تامین عدالت جنیستی کارمینمایند، برنامه های اقتصادی و خود کفایی زنان را طرح و تطبیق نمایند و همچنان برای خود زنان نیز لازم است تا به درک اهمیت و نقش اقتصاد در روابط فامیلی و اجتماعی و تامین زنده گی بهتر و انکشاف زنده گی تلاش نموده و خود نیز مبتکر چنین فعالیت ها باشند.

به امید اینکه فرصت و مجال آن را بیابیم تا در آینده عدالت جنسیتی را بصورت هر چه دقیق تر و مفصل تر در زمینه های مختلف مورد بررسی قرار داده و راه کار های عملی آن را جستجو و ارایه نمایم. به آرزوی رسیدن به جامعه آزاد و مرفه، به دوران هرگونه تبعیض و بی عدالتی.

بالاحترام،

داکتر حبیب الله روشن، مسول خدمات صحی مبتی بر اشتراک جامعه و جندر دفتر
خدمات صحی اغاخان بدخشان - افغانستان